

روابط ایلخانیان با سلجوقیان روم

در پرتو رویکرد اقتصادی مغولان به آسیای صغیر*



ایلخان اردم^۱

مترجم: محرم قلی‌زاده^۲

چکیده

به دنبال تجزیه امپراتوری سلجوقیان بزرگ، فرزندان سلیمان بن قتلمیش (شاخه‌ای از خاندان سلطنتی سلجوقی)، حکومت بخش‌هایی از آسیای صغیر را به دست گرفتند و سلسله سلجوقیان روم را در آنجا بنا نهادند. سلسله مذکور، همانند بیشتر حکومت‌های شرق اسلامی، در مقابل سیل مغول قدرت ایستادگی را از دست داد و سرانجام به اطاعت ایلخانیان گردن نهاد. منابع طبیعی غنی و درآمد سرشار آناتولی موجب شد تا همواره رویکرد اقتصادی بر روابط ایلخانیان و دولت نیمه مستقل سلجوقیان روم سایه افکند. این امر نوع و گستره دیگر عرصه‌های روابط فیما بین را تحت شعاع قرار داد؛ به گونه‌ای که سلجوقیان روم ابتدا استقلال سیاسی و سپس اختیارات اداری و اقتصادی خویش را از دست دادند و به تدریج از ابتدای قرن هشتم هجری عرصه را به نفع مهاجمان ترک گفیند. نوع روابط اقتصادی با ایلخانیان، وضعیت اجتماعی و سیاسی جامعه آسیای صغیر را تحت تأثیر قرار داد. در این مقاله به بررسی رویکرد اقتصادی ایلخانیان به آناتولی و روند تضعیف و انحلال دولت سلجوقیان روم در مقابل فزونخواهی مغول‌ها پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها:

* نوشته حاضر ترجمه بخشی از مقاله «روابط اقتصادی و تجاری سلجوقیان روم با ایلخانیان و نتایج آن» اثر ایلخان اردم است. مشخصات کتاب شناختی اصلی مقاله به ترتیب زیر است:

Erdem, İlhan, "Türkiye Selçuklu-İlhanlı İktisadi, Ticari İlişkileri ve Sonuçları", **Tarih Araştırmaları Dergisi**, 2003, Ankara univrsitesi, cilt:21, sayı:33, ss: 49-67.

^۱ تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۸/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۲۵

ierdem@humanity.ankara.edu.tr.

استادیار تاریخ قرون میانه، دانشگاه آنکارا، گروه تاریخ

Email: golizademt@gmail.com.

^۲ کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی

ایلخانیان، سلجوقیان روم، مغولان، روابط اقتصادی، آسیای صغیر

مقدمه

زمانی که چنگیزخان امپراطوری خوارزمشاهیان را متلاشی کرد و بر بخش‌هایی از ایران استیلا یافت، شاید برنامه‌ای برای پیشروی به سوی غرب نداشت. اما جانشینان وی با مشاهده جبهه‌های مقاومت متعدد و در عین حال سست و پراکنده در مقابل خویش، به این نکته پی بردند که تسخیر مرکز خلافت عباسی و تابع کردن دیگر حکومت‌های خرد دور از دسترس نیست. در همین راستا اهداف دور و درازی طراحی شد و حدود نیم قرن بعد از آغاز یورش مغول، منگوقاآن به هلاکو دستور داد تا سرزمین‌های میان جیحون و اقصی ممالک مصر را تصرف کند.

در این میان، تصرف قلمرو سلجوقیان روم از چند لحاظ برای ایلخانیان مهم بود: نخست آنکه دولت سلجوقی به عنوان دولت مسلمان مطرح بود و می‌توانست به کانون مقاومت علیه ایلخانیان تبدیل شود. دوم آنکه ارتش مغول در صورت هجوم احتمالی به سوی مغرب زمین و تصرف قسطنطنیه، پایتخت دولت بیزانس، یا در صورت نیاز به نیروی کمکی صلیبیان برای نبرد با جهان اسلام به راه‌های زمینی و دریایی آسیای صغیر نیاز داشت. سومین دلیل به رونق تجاری منطقه مربوط است؛ شهرها و لنگرگاه‌های آسیای صغیر محل تلاقی تجار و بازرگانان آسیایی، آفریقایی و اروپایی بود و بدون تسخیر مراکز تجاری فوق، هدایت سود تجاری سرشار آسیای صغیر به قلمرو ایلخانیان و شهر تبریز قرین موفقیت نمی‌شد. در کنار دلایل مذکور، می‌بایست برای ظرفیت‌های اقتصادی و مالی آسیای صغیر اهمیت زیادی قائل شد. حفظ و نگهداری ارتش مغول در آسیای غربی به منابع مالی و طبیعی کشورهای منطقه نیاز داشت. آسیای صغیر با منابع طبیعی غنی و محصولات کشاورزی و دامی فراوان می‌توانست بخشی از نیازهای مادی و مالی دستگاه نظامی ایلخانیان را تأمین کند.

اشتغال ایلخانیان به نبرد با ممالیک مصر و شام که تا مرگ ابوسعید ایلخانی ادامه یافت مانع از توجه ایشان به بهره‌برداری از مزیت ژئوپلیتیک آسیای صغیر برای حمله به

دولت بیزانس یا ایجاد اتحاد با مسیحیان اروپا شد. بنابراین استعمار اقتصادی منطقه مذکور در دستور کار مغول‌ها قرار گرفت و حکومت پوشالی سلجوقیان روم همچنان به عنوان مجری اوامر ایلخان بر سر کار باقی ماند.

در مقاله حاضر فرضیه به این صورت تعریف می‌شود که رویکرد اقتصادی ایلخانیان به آسیای صغیر نوع و ابعاد روابط آنها را با سلجوقیان روم تعیین می‌کرد. از همین روی برقراری روابط اقتصادی قوی در اولویت سیاست‌های ایلخانیان قرار داشت. هرچند که روابط اقتصادی فیما بین بر حصول حداکثر سود مالی و اقتصادی مغول‌ها از منابع و محصولات آناتولی مبتنی بود، اما حفظ رضایت و امنیت عمومی و پیشگیری از شورش توده‌ها در آناتولی در تنبیه و جابجایی کارگزاران ارشد مالی و سیاسی بی‌تأثیر نبود.

از یورش مغول تا تأسیس امپراطوری ایلخانیان

اساس رابطه اقتصادی میان دو دولت سلجوقیان روم و ایلخانیان بر قاعده خراج‌گذاری نهاده شده بود. در نتیجه اعمال خراج، حکومت مغول قادر بود که تمام یا بخشی از کالاها و محصولات تولیدی آسیای صغیر را به رایگان تصاحب کند. سلجوقیان روم پرداخت خراج به مغول‌ها را از عهد علاءالدین کیقباد قبول کرده بودند. البته تابعیت این دولت از استیلاگران جدید، و پرداخت خراج به آن‌ها یکی از شروط مندرج در عهدنامه‌ای بود که بعد از شکست سلجوقیان در نبرد کوسه داغ (۶ محرم ۶۴۱ق. / ۲۶ ژوئن ۱۲۴۳ م.) از قوای مغولی میان دو طرف بسته شد. بر اساس این قرارداد، امیر سلجوقی متعهد شده بود که در مقابل عدم دخالت مغول‌ها در امور داخلی دولت سلجوقیان روم، آن دولت سالانه خراجی به مبلغ ۳۶۰۰۰۰ دینار همراه تعداد معینی برده، گوسفند و دیگر متاع با ارزش بپردازد. همچنین مقرر شد که هزینه سفر سفیران مغول به آناتولی را نیز دربار سلجوقی متحمل شود. (Erdem, 1995: 94-95; Cahen, 1979: 309) این معاهده تا مدتی آناتولی را از قتل و غارت مغول‌ها نجات داد. اما سران سلجوقی به این وجه از اهمیت‌های

عهدنامه پی نبردند. کشمکش میان امرای دولت که سابقه‌ای طولانی داشت تا پیش از حمله مغول رو به شدت نهاده و پایه‌های سیاسی و اقتصادی دولت سلجوقی را تضعیف کرده بود، در نتیجه دولت مذکور از پرداخت خراج سالانه عاجز ماند. بایجونیان، فرمانده موفق مغول که ترتیب امر تابعیت آناتولی به او واگذار شده بود مکرراً سفرایی را برای درخواست خراج عقب افتاده به دربار سلجوقی گسیل داشت. خزانه سلجوقیان که قدرت پرداخت خراج را از دست داده بود، با افزوده شدن هزینه پذیرایی از سفرای مغول به مخارج دیگر رو به ورشکستگی نهاد. البته امرای دولت نیز با توجه به اینکه حکومت در مقابل خدمات آن‌ها پولی برای پرداخت نداشت، زمین‌ها یا نواحی گسترده‌ای را به عنوان اقطاع تصرف کردند. (Aksarayi', 1944: 74) این امر نیز به نوبه خود بر ضعف اقتصادی دولت مرکزی افزود. با نزدیک‌تر شدن به سال ۶۶۰ق. / ۱۲۵۰ م. ضعف اقتصادی و مالی سلجوقیان رو به افزایش نهاد. علاوه بر این هزینه‌های جلوس همزمان سه شاهزاده سلجوقی بر اریکه سلطنت، هدایای گرانبهایی که به مناسبت جلوس خاقان‌های مغول یا به هر دلیل دیگری همراه سفرا به قورم ارسال می‌شد؛ و خو گرفتن سلاطین سلجوقی به زندگی عشرت بار و پرتجمل که هزینه‌های زیادی دربرداشت، از عمده‌ترین دلایل این ضعف اقتصادی به شمار می‌رود. در کنار این ضعف، ارسال مکرر سفرا نزد خان مغول و حضور شخص سلطان سلجوقی در دربار ایلخان که به منظور کسب مرحمت وی صورت می‌گرفت، مقام و منزلت سلطان سلجوقی را تا حد زیادی تنزل داد. خان‌های مغول نیز با اندکی سختگیری و پذیرفتن هدایای مختصر، آن‌ها را مورد عطف قرار می‌دادند. (İbni Bibi, 1956: 616) منگوخاقان هنگام جلوس بر اریکه سلطنت ۶۴۷ق. / ۱۲۵۰ م. اقدامات اقتصادی در قلمرو خویش صورت داد. در همین چارچوب در سراسر امپراطوری مغول دستور داد تا سرشماری انجام شود. او همچنین اصول و مقررات مالیات‌ها را تجدید و اصلاح نمود و بر مقدار آن‌ها افزود. (Cüveyni', 1937, 244) هنگامی که نوبت سرشماری نفوس به آناتولی رسید، سران دولت سلجوقی با اطلاع از این که قدرت تحمل بار مالیات مضاعف را نخواهند داشت، با ارسال سفرا به قورم، موفق

شدند که منگو خاقان را به تجدید نظر در خصوص اجرای این دستور در قلمرو آنها راضی کرده و وی را منصرف کنند. (ibni Bibi, 1956: 617) نیروهای تحت فرمان بایجو بعد از آنکه توانستند در نبرد سلطان اونو بر سلجوقیان غلبه کنند (۱۲۵۶ میلادی / ۶۶۹ هجری) به قصد سکونت دائمی وارد آناتولی شدند. این شرایط دولت سلجوقی را ناچار از تقبل هزینه‌های ارتش تازه وارد مغولی کرد که هزینه‌ای جدای از خراج سالانه محسوب می‌شد. هرچند هلاکوخان هنگام لشکرکشی به بغداد، بایجو را برای ملحق شدن به لشکر خویش فرا خواند، اما تعداد زیادی از نیروهای مغول هنوز در آناتولی حضور داشتند. (Aksarayi', 1944: 62)

از تأسیس حکومت ایلخانیان تا سلب اختیارات اداری

هنگامی که هلاکو بعد از تصرف بغداد به آذربایجان بازگشت و در بار ارسال فراخوان به امرا و سلاطین آسیای مقدم و شرق نزدیک، تابعیت ایشان از حکومت جدیدالتأسیس ایلخانی (۱۲۵۶ ق. / ۱۲۵۸ م.) را به آنها تکلیف کرد، در میان امرا و سلاطینی که دستور وی را اجابت کرده بودند دو سلطان سلجوقی، یعنی عزالدین کیکاووس دوم و رکن الدین قلیچ چهارم نیز در تختگاه ایلخان، یعنی مراغه حضور یافتند. (Fazlullah Tabib, 1338: 718-719; Benakiti', 1348: 419-420). هلاکو ضمن آنکه موقعیت هر دو سلطان را به رسمیت شناخت از خزانه خویش مبلغی حدود ۴۰۰ بالش (۱۶۰۰۰ دینار) نیز به آنها وام پرداخت کرد. (ibn Bibi, 632; Aksarayi', 61-62) البته در مقدار خراج آن دولت نیز تجدید نظر کرده و آن را به سالانه ۲۰ تومان (۲۰۰۰۰۰ دینار) نقد، ۵۰۰ توپ پارچه ابریشمی و پارچه‌های دیگر، ۳۰۰ اطلس طلاکاری شده، ۵۰۰ رأس اسب و ۵۰۰ رأس قاطر افزایش داد. (Aksarayi, 62) در نگاه اول این گونه به نظر می‌رسد که مالیات جدید چندان تفاوتی با مقدار مالیاتی که سابقاً پرداخت می‌شد، نداشته است، اما باید این نکته را در نظر داشت که در این زمان دولت سلجوقی حتی برای تأمین هزینه‌های ضروری خویش نیز اعتبار کافی نداشت. در واقع همزمان با ضعف اقتصادی سلجوقیان روم علاوه بر مطالبات روزافزون

مغول‌ها، امرای نظامی که قلمرو این دولت را به قطعات متعدد تقسیم کرده بودند نیز بر وخامت اوضاع اقتصادی افزودند.

سلجوقیان که با فقدان پول نقد مواجه شده بودند برای پرداخت بدهی‌های خود از اخذ وام و قرض استفاده کردند؛ بلافاصله بعد از آنکه سلاطین نامبرده از دربار هلاکو برگشتند، وزیر آن‌ها شمس‌الدین بابا طغرانی، جهت تأمین معاش و هزینه‌های اردوی مغولی در آناتولی از هلاکو خان طلب قرض کرد، اما اندکی بعد از این درخواست فوت کرد. هلاکو برای دریافت مبلغ قرض‌های پرداخت شده، تاج‌الدین معتر را نزد سلاطین سلجوقی فرستاد. تاج‌الدین نیز از بدو ورود به آناتولی به تحصیل مطالبات ایلخان پرداخت. اما در این میان سلطان عزالدین عکس‌العمل مناسبی بروز نداد و تلاش کرد تا مسئولیت قرض‌ها را به عهده برادرش واگذارد. این موضع‌گیری مقدمات سقوط او را فراهم کرد، زیرا هلاکو که به نیت عزالدین پی برده بود سپاهی را تحت فرماندهی آلینجیق بر سر او فرستاد. عزالدین نیز با اقرار به اینکه قدرت مقابله با نیروهای مغولی را ندارد، عقب نشینی کرده از قلمرو سلجوقیان خارج شد. بدین ترتیب او فرصت مناسب را به مغول‌ها داد تا دست نشانده خود را بر اداره امور آناتولی بگمارند. (Ibni Bibi, 635-640; Aksarayi', 65-70) با فرار عزالدین، امور دولت به دست سلطان رکن‌الدین و وزیر او، معین‌الدین پروانه افتاد. هلاکو نیز پس از اطمینان از اینکه پروانه نسبت به ایلخان صادق مانده و در عودت دادن بدهی‌ها تلاش خواهد کرد او را به والی‌گری آناتولی برگماشت. (Fazlullah Tabib, II, 734-735) بدین ترتیب دوره معروف به «پروانه» در تاریخ سلجوقیان روم آغاز شد. در واقع پروانه به قول خود وفا کرده و همچون مأمور مالیاتی مغول مشغول کار شد. او تمام نیازهای مغول‌های منطقه آناتولی را به موقع برطرف می‌کرد.

پروانه پیش از هر کاری رکن‌الدین قلیچ ارسلان را که مانعی در برابر فزون‌خواهی او بود و با چپاول منابع دولت توسط امرا مخالفت می‌کرد از میان برداشت و به دنبال آن

^۱ بنا به نظر پروفسور آکداغ فروپاشی اقتصادی واقعی در آناتولی بعد از فرار عزالدین آغاز شد. ن. ک (Akdağ, 1995: 34)

غیاث‌الدین کیخسرو چهار ساله را به تخت سلطنت نشانید. پروانه تمام عوامل سلطان را از کار برکنار کرده و عناصر مطلوب خود را وارد مناصب و مشاغل دولتی و دیوانی کرد. بدین ترتیب او که نظام استبدادی را بر قلمرو سلجوقیان روم سیطره داده بود، حاکم مطلق این قلمرو شد. شرایط جدید برای ایلخان مطلوب بود، زیرا والی تمام خواسته‌های مغول‌ها را اجابت می‌کرد. از جمله برای بازپرداخت قروض ایلخانیان بلافاصله وارد عمل شده و درآمدهای حاصل از ولایات قسطنطنیه، آق‌سرای و دولو را به همین امر اختصاص داد. (Aksaray, 73)^۱ تنها مشکل باقی مانده بر سر راه معین‌الدین پروانه در این دوره، وجود عناصر قبایلی ترکمن بود. ترکمن‌ها علاوه بر مخالفت با چپاول و زورگویی‌های امرای بومی آناتولی و فرماندهان مغول، نگاه تحقیرآمیز حکومت محلی یا ایلخان مغول را که به آن‌ها به عنوان رعایای عاجز (Lehmann, 1939: 67-68) می‌نگریست، قبول نداشتند. حرکت اعتراضی ترکمن‌ها در آغاز چندان مخاطره‌آمیز نبود و نیروهای سلجوقی - مغولی تحت فرمان پروانه آن‌ها را سرکوب کردند، اما قبایل مذکور دست از مخالفت برنداشتند. (Erdem, 306-310)

پروانه برای اینکه در تأمین مطالبات مغول‌ها موفق باشد علاوه بر مالیات‌های مرسوم، چهار نوع مالیات جدید یعنی بیوت، نعل بها، مال یام و مال بزرگ را بر رعایای خویش تحمیل کرد. مقرر شد که مالیات‌های جدید در طول سال و در چهار مرتبه اخذ شود (Aksaray, 89). این مالیات‌ها هرچند تا حدی از فشار وارد بر دولت سلجوقی می‌کاست، اما بار تحمیل شده بر دوش مردم را سنگین‌تر کرد.^۲ در نگاه نخست این‌گونه جلوه‌گر می‌شود که این مالیات‌ها برای تأمین هزینه‌های نیروهای مغولی حاضر در آناتولی وضع شده بود؛ زیرا می‌دانیم که نعل بها و مال یام برای رفع هزینه‌های نظامی اختصاص داشت. همچنین والی مذکور بر ساکنان مناطق مرزی (اوچ) مالیات‌هایی را تحمیل کرد که تا آن زمان بی سابقه بود (Ibid). تا این هنگام رجال و کارگزاران مالی سلجوقی با وجود از دست

^۱ در خصوص عملکرد پروانه و تحولات دوره وی ن.ک. (Kaymaz, 1970: 92)

^۲ البته برخی محققان برخلاف نویسنده مقاله حاضر، نسبت به دوره پروانه نظر مثبتی دارند و از روزگار قدرت وی در آناتولی، همچون دوره‌ای از ثبات و آرامش یاد کرده‌اند. (ن.ک: تاریخ اسلام کمبریج، ۱۳۷۸، ۳۴۰) - مترجم.

رفتن بخشی از استقلال سیاسی دولت هنوز بر سر کار بودند، به‌ویژه در امر جمع‌آوری مالیات هر چند از مغول‌ها فرمان‌برداری می‌کردند، ولی شیوه خاص خود را داشتند. در واقع مغول‌ها در این دوره در خصوص نحوه مطالبه مالیات از مالیات‌پردازان آناتولی مداخله‌ای نداشتند. حتی مقدار و نوع آن را نیز مشخص نمی‌کردند. آن‌ها تنها مبلغی را که بر ذمه دولت سلجوقی گذاشته شده بود، درخواست می‌کردند. بنابراین دولت سلجوقی تا این زمان در حوزه اقتصادی و مالی، استقلال اداری و مالی نسبی داشت.

دوره اضمحلال استقلال اداری

روابط مطلوب اقتصادی مابین سلجوقیان و ایلخانیان با وقوع نبرد میان ایلخانیان و سلاطین مملوک مصر^۱ در اوایل دهه ۶۷۰ ق. / ۱۲۷۰ م. و ضرورتی که به دنبال آغاز این نبردها برای فراخواندن سپاهیان مغولی آناتولی (تحت فرماندهی آجای، برادر هلاکو) پیش آمد، رو به ضعف گذاشت. دولت سلجوقیان روم که تا این زمان خراج و بدهی‌های خود را با اتخاذ تدابیری از سوی پروانه پرداخت می‌کرد با افزوده شدن هزینه جنگ‌های مذکور دوباره به عجز افتاد. هنگامی که مطالبات نوین‌های مغول اندکی با تأخیر پاسخ داده می‌شد، آن‌ها سلاطین سلجوقی را تحت فشار قرار می‌دادند. (ibni Şeddad, 1941:33) در این حین پروانه که تنزل اهمیت و مقام خویش را نزد مغول‌ها احساس می‌کرد برای ایجاد اتحاد با ممالیک دنبال روزنه گشت. او در همین راستا سفرایی را نزد بایبرس فرستاد و پیشنهاد کرد که در صورت رهایی آناتولی از زیر یوغ مغول‌ها با کمک ممالیک، نیمی از قلمرو سلجوقیان روم به آن دولت واگذار شود. (ibni Şeddad, 1941:34; Turan, 1983 : 495-496) اما جریان وقایع بر وفق مراد

^۱ سلطنت ممالیک مصر در بهبوهه یورش مغول به جهان اسلام در ۱۲۶۰ م. / ۶۵۸ ق. در مصر روی کار آمد و در مقابل پیشروی ایلخانیان به سوی غرب مانع عمده‌ای ایجاد کرد. نبرد میان ایلخانیان و ممالیک برای تصرف سرزمین‌های غربی جهان اسلام (آسیای صغیر، سوریه، عربستان و شمال آفریقا) از دوره هلاکو آغاز شد، در دوره غازان خان به اوج رسید و در دوره ابوسعید ایلخانی فروکش کرد. این نبردها در نهایت با درخشش سلاطین مملوکی مانند بایبرس، قتوز و قلاوون به نفع ممالیک و متحدان آنها تمام شد (ن.ک: بیانی، ۱۳۸۲: ۲۸۱-۳۵۹؛ تاریخ اسلام کمبریج، ۲۸۹-۳۰۳). مترجم.

پروانه پیش نرفت و هنگامی که نقشه‌های او برای ایلخانیان فاش شد به قتل رسید (۶۷۶ق. / ۱۲۷۷ م.) (İbni Bibi, 670-684; Aksarayı, 113-116; ibni Şeddad, 92-94). همزمان با مرگ معین‌الدین، نظم مالی خاصی که او در قلمرو دولت سلجوقی روم پدید آورده بود، فروپاشید و ایلخان برای برقراری نظام مالی جدید در آناتولی وزیر مشهور خویش، شمس‌الدین محمد جوینی را عازم آن دیار کرد.

جوینی بلافاصله به تحکیم نظم و امنیت سیاسی پرداخت و تمام شورش‌های منطقه را فرونشاند و سپس اصلاحات اقتصادی را در دستور کار قرار داد. او بسیاری از مالیات‌های غیرضروری را که بر مردم فشار وارد می‌کرد از میان برداشت، اخذ مخارج و باج‌های بی‌مورد را متوقف کرد و همچنین به جای پرداخت وام‌هایی که سابقاً شمس‌الدین طغرای از دولت ایلخانی اخذ کرده بود و دیگر بدهی‌ها و خراج‌های عقب افتاده، درآمدهای حاصل از ایالات ارزنجان و برخی نواحی دیگر آناتولی را به عنوان اینجو^۱ (در آمد خالصه) به دیوان ایلخانیان اختصاص داد. (İbni Bibi, 721-722)^۲ در نتیجه، زمین‌های خالصه‌ای که مختص ایلخان بود و درآمد آن مستقیماً به خزانه امپراطوری واریز می‌شد، در آناتولی شکل گرفت.

نوآوری مالی دیگری که صاحب دیوان در اقتصاد منطقه اعمال کرد، مالیات تمغا^۳ بود که تا این زمان به استثناء آناتولی در سراسر قلمرو ایلخانیان اخذ می‌شد. بر اساس منابع، این نوع مالیات تا زمان جوینی در آناتولی اعمال نشده بود. (Fazlullah Tabib, 33) تمغا که به صورت عمومی از امتعه تجاری در شهرها گرفته می‌شد تا حدی موجب افزایش درآمدهای دولت شد. احتمالاً عواید حاصل از تمغا مستقیماً نه به خزانه دولت سلجوقی بلکه به خزانه ایلخان واریز می‌شده است. بدین ترتیب مغول‌ها به تدریج از اخذ خراج سالانه مقرر از حکومت سلجوقی به سوی تحصیل درآمد مستقیم از سرزمین آناتولی رفتند. تحصیل

^۱ اینجو، در دوره مغول به املاک خاص خاندان سلطنتی اطلاق می‌شد. - مترجم.

^۲ در خصوص مالیات‌های اینجو و تمغا بنگرید به (Barthold, 1931: 150).

^۳ در نامه‌ها و اسناد عهد مغول مهری زده می‌شد که به آن «تمغا» می‌گفتند. در دوره ایلخانان نوع تمغا بنا به اهمیت موضوع سند و یا کسی که فرمان به نام او صادر می‌شد، تفاوت داشت (رجب زاده، ۲۵۳۵: ۷-۲۱۶). - مترجم.

درآمد به صورت مستقیم نیز بر وضع مالیات‌های جدید مبتنی بود. ایلخانان، دیگر قادر بودند که نوع و میزان مالیات‌ها را نیز مشخص کرده و دخالت خود را در اقتصاد و نظام مالی آناتولی افزایش دهند. همان‌گونه که در صفحات آتی ملاحظه خواهد شد، نظام جدید بعدها گسترش یافت. ایلخانیان در نتیجه برقراری نظام جدید به این امکان دست یافتند که به صورت مستقیم بر عواید آناتولی دست یابند. با محدود شدن منابع درآمد، سلاطین سلجوقی تا حد مأموران و کارگزاران اداری و نظامی که خدمت ایلخان را می‌کرد، تنزل یافتند.

نظم اقتصادی جدیدی که شمس‌الدین جوینی در آسیای صغیر بنا نهاد به مدت ۱۰ سال تا فوت وزیر سلجوقی، فخرالدین علی و انتصاب فخرالدین قزوینی از سوی ایلخان به جای او در ۶۸۶ق. / ۱۲۸۸ م. دوام آورد. در این زمان نبردهای سنگین ایلخانیان با ممالیک و تحرکات قبایل ترکمن در داخل آناتولی دولت سلجوقی و اتباع آن را در شرایط اقتصادی و سیاسی سختی قرار داد. ورود ارتش مغول تحت سرکردگی شاهزاده گیخاتو به قلمرو آن دولت در ۶۸۴ق. / ۱۲۸۵ م. بر وخامت اوضاع افزود. زیرا خزانه خالی بود و احتمال غارتگری سربازان وجود داشت. فخرالدین وزیر توانست نیازهای مغول‌ها را با صرف دارایی‌های شخصی خویش تا حدی برطرف سازد. (Aksarayı, 146-147)، اما ثروت او نیز تکافوی هزینه‌های مغول‌ها را نداشت. وزیر که از پاسخگویی به مطالبات آن‌ها عاجز مانده و حتی ثروت خود را در این راه از دست داده بود از شدت حزن و اندوه در ۶۸۷ق. / ۱۲۸۸ م. جان سپرد. (Tarîh-i Ali Selçuk, 1952:49; Turan, 591) با مرگ وزیر، حاکمیت اداری دولت سلجوقی بر آناتولی خاتمه یافت و اداره قلمرو آن‌ها به دست مأموران و رجال اداری که دست‌نشانده ایلخان بودند، افتاد. بدین ترتیب مرحله دیگری در طریق حذف همه جانبه دولت سلجوقی پیموده شد.

دوره التزام

بعد از فخرالدین علی، وزرای سلجوقیان از طرف ایلخان تعیین می‌شدند. نخستین وزیر از میان آنها، فخرالدین قزوینی بود. موازی با این جریان، مغول‌ها برای تغییر نظام مالی آسیای صغیر شیوه التزام را در دستور کار قرار دادند. نخستین فرد التزام گیرنده فخرالدین قزوینی بود. قبایل ترکمن آناتولی به شیوه اداری و اقتصادی جدید که بر تحمیل مالیات و هزینه سنگین بر رعایا مبتنی بود و نظام حکومتی استبدادی را ایجاد می‌کرد، واکنش نشان دادند و شورش‌هایی در اقصی نقاط منطقه به وقوع پیوست. با این حال ایلخانیان تا مدت مدیدی این شیوه اداری را بر منطقه تحمیل کردند. (Tarıh-i Ali Selçuk, 1952:49-50)

قزوینی در مقابل التزامی که قبول کرده بود، ابتدا مبلغ مالیات‌ها را به ۱۰ برابر رساند، اما هنگامی که از تحصیل این مبلغ گزاف عاجز ماند، نیمی از آن را حذف کرد. محصلان مالیاتی که در آناتولی فعالیت داشتند از انواع مالیات‌های مقرر در منطقه بی‌خبر بودند. از جمله آن‌ها از مالیات جزیه که سابقاً معمول بود، غافل ماندند. در نتیجه مبلغ پیش بینی شده جهت تحصیل از مالیات‌پردازان منطقه حاصل نشد. (Aksarayı, 152-153)

قزوینی تلاش کرد تا با اخذ مالیات‌های عشر، خراج، تمغا و قیچور^۱ ثروتی اندوخته کند. (Ibid; Tarıh-i Ali Selçuk, 52-64). در کنار این مالیات‌ها، دو نوع دیگر مالیات که در زمان پروانه رواج یافته بود؛ یعنی نعل بها و مال یام نیز مطالبه می‌شد. فخرالدین قزوینی و محصلان مالیاتی مغول با تمام تلاش‌هایی که به خرج دادند به مقصود خود نائل نشدند. بنابراین مجیرالدین نائب پیشنهاد کرد که منطقه مالیاتی را به دو بخش تقسیم کنند و امر تحصیل را به صورت جداگانه و تحت مسئولیت دو شخص پی‌گیری کنند. با قبول این نظر، منطقه واقع در غرب قیصریه تا مرز بیزانس به قزوینی و شرق قیصریه تا مرز ایلخانیان به مجیرالدین امیرشاه واگذار شد. هر دو امیر تنها مسئولیت ناحیه تحت امر خود را داشتند. بدین ترتیب قلمرو

^۱. از مالیات‌های مهم عصر مغول، مالیات قیچور است که برخی آن را مالیات بر دام (اشپولر، همان، ص ۳۰۸) و برخی نیز نوعی مالیات سرانه دانسته‌اند (رجب زاده، ص ۱۴۹). - مترجم.

سلجوقیان روم به مدت دو سال (۶۹۰-۶۸۸ق. / ۱۲۹۲-۱۲۹۰ م.) با دو نظام مالی متفاوت اداره شد. اگر گفته آق سرابی قابل اعتماد باشد، در این مدت مردم واقع در سرزمین‌های غرب قیصریه تحت ظلم و فشار و اهالی قسمت شرقی در نهایت امنیت و آرامش به سر می‌بردند. (Aksarayı, 153-155; Turan, 595-596) اما با رسیدن خبر وخامت اوضاع قسمت غربی به پایتخت، ایلخان مغول در ۶۹۰ق. / ۱۲۹۲ م. هر دو امیر را به تبریز فراخوانده و محاکمه کرد. در این دادگاه مجیرالدین بی گناه تشخیص داده شد و آزاد گردید، اما قزوینی که لقب نظام الملک را نیز به یدک می‌کشید به خشم وزیر یهودی ایلخان، سعدالدوله گرفتار آمد و اعدام شد. (Fazlullah Tabib, 76-77; Aksarayı, 156; Tarılı-i Ali Selçuk, 53)

بعد از قزوینی، خواجه احمد لاقوشی و قلاووز اوغلو به مدیریت مالی آناتولی تعیین شدند، اما حضور لاقوشی در منطقه جهت مأموریت خویش تا جلوس غازان خان به تعویق افتاد. قلاووز اوغلی که با قوای حاکم بر آناتولی به توافق نرسیده بود از کسب حمایت امرای مغولی محلی عاجز ماند. اندکی بعد نیز مقام و جان خود را از دست داد. (Aksarayı, 156-159) در این مدت احتمالاً وزیر و نایب شاهزاده گیخاتو که در آناتولی حضور داشت، یعنی خواجه نصیرالدین، بر امور مالی منطقه نظارت می‌کرده است. او در نتیجه تدبیر، درستکاری و علم خویش توانست از طرفی از خسارت نیروهای مغول بر منطقه جلوگیری کند و از طرف دیگر از میزان ناراضی‌های عمومی بکاهد. در این دوره تلاش‌های ناقص فخرالدین قزوینی جهت ثبت و برآورد درآمدهای تمام اراضی توسط ایلخان گیخاتو عینیت یافت. برای اینکه مالیات بیشتری نصیب مغول‌ها نشود، خواجه نصیرالدین با تدبیر خویش ارزش واقعی عایدات حاصل از اراضی آناتولی را کمتر از واقع ثبت می‌کرد. (Tarılı-i Ali Selçuk, 56) در نتیجه حجم مالیات تحمیل شده بر رعیت نیز کاهش یافت. گیخاتو که تازه به تخت نشسته بود در ۶۹۰ق. / ۱۲۹۱ م. به دنبال شورش ترکمن‌ها به آناتولی لشکرکشی کرد. در جریان این یورش جدای از قتل عام گسترده مردم منطقه، خسارات زیادی نیز بر منابع مالی وارد آمد. (Tarılı-i Ali Selçuk, 61-63; Turan, 605)

صاحب دیوان و تاش تیمور ختایی مغول به ترتیب به وزارت و والی‌گری آناتولی منصوب شدند. اداره اراضی اینجو و دالای^۱ نیز به تایجو و حسن بیگ سپرده شد. اندکی بعد با بروز اختلافات اداری میان افراد مذکور، هرکدام از آنها به مقرر خویش برگشته و مردم را در پرداخت مالیات‌های گزاف تحت فشار قرار دادند. به همین دلیل مجیرالدین نایب آن بخش از اراضی اینجو و دالای را که به مغول‌های ساکن در آسیای صغیر اختصاص داشت، تحت مسئولیت خویش درآورد. در این زمان مستوفی و قاضی جدیدی نیز برای قلمرو سلجوقیان روم تعیین شد. با ورود صاحب منصبان فوق، بر میزان مشکلات مالی و اداری افزوده شد و حاکمان و امرا بر ظلم خویش نسبت به رعایا افزودند. (Aksarayi, 180-181) بر اساس اطلاعات مندرج در سلجوق‌نامه، تاش تیمور ختایی تعدی زیادی بر رعایا روا داشته و به ویژه در چارچوب مالیات قیچور فشار مضاعفی بر آنها تحمیل می‌کرد. او بعداً به خاطر ظلم و ستم‌های بی حد و حصر منصب خود را از دست داد. (Tarih-i Ali Selçuk, 64)

مهم‌ترین رخداد اقتصادی دوره گیخاتو، استفاده از پول کاغذی موسوم به چاو برای نخستین بار در منطقه آسیای غربی بود. با افزایش هزینه‌ها و کمبود بودجه، رجال دولت ایلخانی در شوال ۶۹۳ق. / ۱۲۹۴ م. چاو را وارد بازار تبریز کردند. اما این ابتکار به طور غیر منتظره‌ای واکنش منفی مردم را در پی داشت و کسی حاضر به داد و ستد با استفاده از پول جدید نشد. تجار از وارد کردن امتعه به بازار خودداری کردند. در نتیجه اغتشاش و بی‌نظمی اقتصادی بزرگی بر سراسر امپراطوری مستولی شد. در تمام ایالات تابع ایلخانیان از جمله آناتولی حیات اقتصادی از جریان افتاد و مردم با کمبود بزرگی مواجه شدند. کارگزاران چاو بعد از یک ماه از آغاز تداول آن، از ابتکار خود عقب‌نشینی کردند و به تدریج اوضاع اقتصادی سابق احیا شد. این حال بدعت جدید جان و تخت گیخاتو را از او گرفت.

^۱ «دالای» یا «دالای» واژه‌ای مغولی است و درباره کاربرد آن در عهد مغول و ایلخانی نظرات متعددی مطرح شده است. در لغت‌نامه سنگلاخ آمده است: «از املاک و رقیبات دیوانی همه آنچه، به موجب و مرسوم لشکریان متعلق باشد، دالای و آنچه مختص سرکار خاصه سلاطین باشد اینجو نامند.» (ن.ک: استرآبادی، ۱۳۷۴، ۱۵۶). - مترجم.

بایدو که بعد از گیخاتو حدود هشت ماه بر مسند ایلخانی نشست، صدرالدین زنجانی را به اداره امور اقتصادی آناتولی مأمور کرد. (Fazlullah Tabib, 53-54) زنجانی با ارسال مأموران مالیاتی به اقصی نقاط آن منطقه، تلاش کرد تا به اوضاع خزانه خالی امپراطوری سروسامان بخشد. منابع اشاره دارند که در این زمان در نتیجه فشار زیاد مأموران مغول، مردم آناتولی مجبور به ترک خانه و کاشانه خویش شدند. (Aksaray, 184-185) بنابراین در این دوره نیز بحران اقتصادی با سرعت به مراتب بیشتری ادامه یافت.

دوره اصلاحات مالی و اقتصادی

با جلوس غازان خان در سال ۶۹۴ق. / ۱۲۹۵ م. روابط اقتصادی میان ایلخانیان و سلجوقیان روم وارد مرحله جدیدی شد. او نخستین سال‌های زمامداری خود را به سرکوب عصیان‌های صورت گرفته صرف کرد. یکی از عاصیان این دوره والی آناتولی، امیر تغاچار بود. او در دوره خود مردم منطقه را تا حدی که آرزوی مرگ کنند، به تنگ آورده بود. با حذف وی از سوی غازان، مردمان تحت ستم نفس راحتی کشیدند. (-Aksaray, 189-196; Turan, 614) البته به دنبال این شورش، امیر بالتو نیز در قلمرو سلجوقیان سر به شورش برداشت (615). (۶۹۶-۶۹۵ق. / ۱۲۹۶-۱۲۹۷ م.) که بعد از یک سال سرکوب شد. با این حال در جریان این شورش‌ها به منطقه آناتولی خسارت مالی و اقتصادی زیادی وارد شد. (Fazlullah Tabib, 111-112, 117; Aksarayi, 197-200; Tarılı-i Ali Selçuk, 67)

غازان خان بعد از رهایی از شورش‌های فوق، برای ایجاد نظم اقتصادی جدید در آناتولی اقدام کرد. او ابتدا تغییراتی را در مناصب مالی و اداری به وجود آورد. معین‌الدین محمد را به منصب پروانچی، کمال‌الدین تفریسی را به نیابت خویش در آناتولی، جمال‌الدین محمد را به وزارت و شرف‌الدین عثمان را به استیفای آن منطقه گماشت. سپس آناتولی را به چهار منطقه مالیاتی جداگانه تقسیم کرد و هرکدام از این چهار شخص را مسئول یکی از چهار ناحیه جداگانه قرار داد. بنابراین معین‌الدین پروانه، قسطنی، چانکری

و آنقره؛ کمال‌الدین نائب تغلیسی، آماسیه، سامسون و سواحل دریای سیاه؛ شرف‌الدین عثمان مستوفی، قیر شهر؛ و جمال‌الدین وزیر نیز نواحی سیواس و قیصریه را بر عهده گرفتند. چهار صاحب منصب فوق در جهت جمع آوری مالیات ناحیه تحت مأموریت خویش تلاش کردند تا شیوه مناسبی را بکار گیرند. اما همانند آنچه که در سابق ملاحظه شده بود، نه موفق شدند که مبلغ تعیین شده را گردآوری کنند و نه قوانین مورد نظر را جاری سازند. زیرا مبالغ مطالبه شده خارج از قدرت و توان مردم بود. لذا عزم خود را برای امتحان شیوه‌های مبتنی بر زور جزم کردند. اما شیوه اخیر نیز با شکایت رعایا مواجه شد. (Aksarayi, 217-218). در نتیجه بروز نارضایتی عمومی، غازان خان، مجیرالدین امیرشاه را به نیابت خویش و شرف‌الدین عبدالرحمان را به مستوفی‌گری آناتولی گماشت. دو صاحب منصب دیگر هنوز مقام خود را حفظ کرده بودند.

به دنبال این تغییرات، غازان خان هریک از این چهار تن را مأمور کرد تا سالانه از ناحیه تحت مسئولیت خود شصت تومان گردآوری و به خزانه ایلخان واریز کنند. بدین ترتیب جمع مالیاتی که آناتولی می‌بایست در هر سال به ایلخانیان بپردازد به ۲۴۰ تومان یا ۲۴۰۰۰۰۰ دینار می‌رسید. علاوه بر این مقرر شد که اراضی گسترده‌ای در آناتولی برای تأمین احتیاجات ارتش ایلخانیان زیر کشت برود. شیوه تحصیل مالیات‌ها نیز مانند گذشته ادامه یافت. (Ibid, 242-253)

خلاصه کلام آنکه سلجوقیان روم با از دست دادن استقلال اقتصادی و مالی هرچه بیشتر به سوی سقوط سیر کردند و در نهایت سلطان سلجوقی تا حد یکی از کارگزاران حقوق بگیر مغول تنزل یافت. از سوی دیگر با توجه به این شرایط دور از انتظار نبود که تحمیلات و مطالبات مالی مغول‌ها بر مردم منطقه با افزایش روزافزونی مواجه شود. علی‌رغم ترتیب اداری استوار که بازمانده سیستم اداری سلجوقیان بود، مبالغ مالیاتی پیش‌بینی شده برای تحصیل از آناتولی هیچ‌گاه کاملاً عینیت نیافت و شکل روشنی به خود نگرفت، زیرا سازمان مالی ایلخانیان عامل بروز هرج و مرج‌های مالی در آناتولی بود. هزینه‌های روزافزون دولت ایلخانی

همراه با مخارج ارتش و ریخت و پاش‌های بی حد و حصر اعضای خاندان ایلخانی امکان ذخیره و پس انداز ارزی را از بین برده بود.

غازان خان به دنبال عدم نیل به خواسته‌های خویش در خصوص مالیات آناتولی، این بار نظام‌الدین یحیی را در سال ۶۹۹ق. / ۱۳۰۰ م. مأمور آن منطقه کرد. (Ibid, 257-258) او نیز مانند اسلاف خود این‌گونه تصور می‌کرد که خواهد توانست مالیات مورد نظر را گرد آورده و به این ترتیب با تقویت خزانه مرکزی، تمجید و تکریم ایلخان را جلب کند.^۱ او برای موفقیت در مأموریت خویش چند تن از صاحب منصبان ایرانی را با خود به آناتولی برد. نظام‌الدین یحیی به محض ورود به آناتولی بر سر راه خود تا قونیه (مرکز دولت سلجوقی) در شهرهای ارزنجان، سیواس، قیصریه و آماسیه مردم را برای پرداخت وجوه نقد تحت فشار قرار داد. از جمله در جاهایی که در دیوان درآمدهای حاصل از آن منطقه میان دو الی سه هزار دینار ثبت شده بود، پنجاه هزار دینار اخذ کرد. همچنین در حالی که قبلاً مقرر شده بود که برای تأمین هزینه‌ها از کشاورزان محلی تنها یک دینار گرفته شود، ده دینار از آنها مطالبه کرد. او برای ارباب صاحب منصبان و مقامات دولت سلجوقی، (به ویژه مجیرالدین امیر شاه) مبالغ هنگفتی از آن‌ها باج گرفت. این شرایط مردم آناتولی را در وضعیت نامطلوبی قرار داد. در این شرایط شرف‌الدین عبدالرحمان مستوفی اقدامات خارج از انصاف کارگزار مذکور را به اطلاع غازان خان رساند. ایلخان نیز نظام‌الدین را به تبریز فراخواند و بعد از محاکمه و اثبات تخلفات او را اعدام کرد. (رمضان ۶۹۹ق. / ژوئیه ۱۳۰۰ م.) (Fazlullah Tabib, 124-125; Aksarayi, 258-270) در نتیجه رعایای آناتولی برای مدتی نفس راحتی کشیدند. واقعه اخیر موفقیت‌آمیز نبودن شیوه التزام را در آناتولی اثبات کرد. از طرفی مردم تحت فشار قرار داشتند و از طرف دیگر درآمد دولت مرکزی از این ناحیه ناچیز بود. غازان خان در نهایت برای متوقف کردن روند فوق و نیز حفظ درآمدهای خزانه،

^۱ چند تن دیگر از عمال دولتی نیز همانند نظام‌الدین یحیی از سوی ایلخانان مورد تشویق قرار گرفته بودند. از جمله سعدالدوله ملتزم بغداد به دلیل موفقیت در تحصیل مالیات تا مقام وزارت ارغون ارتقا یافت. ن. ک. (Fazlullah Tabib, 71-73)

ایجاد اصلاحات در این زمینه را در دستور کار قرار داد و از سال ۷۰۰-۶۹۹ق.م. ۱۳۰۰ م. وارد عمل شد. نخستین اصلاحات به زمان و نحوه جمع آوری مالیات‌ها مربوط می‌شد. در همین راستا مقرر شد تا مالیات‌ها در هر سال تنها یک بار و بدون واسطه و حضور مناصب و کارگزارانی چون ملتزم و مستقیماً از مردم اخذ شود. بدین ترتیب که مالیات‌پردازان موظف بودند در موقع مقرر مالیات جنسی و نقدی خود را به مراکز دولتی اخذ مالیات تحویل دهند. همچنین در راستای اصلاحات پولی دستوری مبنی بر لزوم پیروی از عیار و شکل یکسان به ضرابخانه‌های سراسر امپراطوری ایلخانی صادر شد. (Fazlullah Tabib, II, 243-286; Erdem, 370-381) تصمیم اصلاحاتی دیگر به انجام اقدامات عمرانی در سرزمین‌های ایلخانی و مناطق تابعه آن مربوط بود. در واقع غازان خان به ویرانی‌های حاصل از یورش نیاکان خود اعتراف کرد و بر لزوم تعمیر و آبادانی اراضی کشاورزی، مسکن و اماکن مخروبه تأکید می‌کرد. با همین نیت در میان کشاورزان تخم رایگان تقسیم کرد و آلات کشاورزی در اختیار آن‌ها قرار داد و مقرر شد که زمین‌های کشاورزی تا زمان آبادانی کامل از پرداخت مالیات معاف باشند. (Fazlullah Tabib, 352-356) همزمان با بنای کاروانسراها، مدارس و خانقاه‌ها در شهرها، در روستاها نیز مساجد و حمام‌هایی تأسیس شد. (Ibid, 324-325) اما تمام این اقدامات با مرگ غازان خان در اواخر سال ۷۰۳ق.م. ۱۳۰۳ م. ناتمام ماند. برادر و جانشین وی، اولجایتو خان در تعقیب اقدامات غازان موفق نبود. با این وجود اقدامات غازان خان انتظام و تمرکز را به دولت ایلخانی بازگرداند و بقای آن را حداقل به مدت سی سال دیگر تضمین کرد. دولت سلجوقیان روم نیز از فواید این اصلاحات بهره‌مند شد. وزیر مشهور ایلخانی، رشیدالدین فضل‌الله همدانی در کتاب خویش با عنوان "مکاتبات" اشاره کرده است که در دوره غازان اخذ مالیات قیچور، قلان^۱ و تمغا از برخی محصولات متوقف شده و همزمان با آن دستوری برای اجرای معافیت مالیاتی در تمام قلمرو ایلخانی صادر شد.

^۱ در دوره مغول «مالیات بر مستغلات»، «قلان» نامیده می‌شد. ظاهراً این نوع مالیات شامل بیگاری برای کارهای کشاورزی و نظامی و یا عام‌المنفعه بوده است (ن.ک: اشپولر، ۳۰۹). - مترجم.

(Fazlullah Tabib, 1369: 34-35) نظیر معافیت مالیاتی فوق برای آناتولی یک بار دیگر در دوره حکومت ابوسعید ایلخانی صورت گرفت. در آن زمان ایلخان مذکور دستوری مبنی بر عدم اخذ مالیات قیچور در آناتولی صادر کرد. همچنین بر اساس اطلاعات موجود در کتبه‌ای متعلق به دوره مورد بحث مالیات تابقور،^۱ شحنه و صابون نیز بر اهالی ناحیه‌ای از آناتولی بخشیده شده بود. (Hinz, 1949: 775-780)

مکاتبات رشیدالدین در خصوص دیگر اقدامات ایلخانیان در حوزه مالیات آناتولی در این دوره حاوی اطلاعات مهم است. بر اساس نامه شماره بیست و هشتم مندرج در مجموعه مکاتبات، شکایتی مبنی بر اینکه درآمدهای حاصل از موقوفه دارالسیاده سیواس بر اساس وصیت وقف کننده (غازان خان) مصرف نشده است، وجود دارد. صاحب نامه لزوم ترتیب امر براساس وقف‌نامه را درخواست کرده است. (Fazlullah Tabib, 1369: 156-157) در نامه شماره بیست و نهم نیز دستوری صادر شده است که ادراری مولانا محمد رومی که به ریاست یکی از مدارس ارزنجان گماشته شده بود، فوراً برقرار شود (Ibid, 158-159). گذشته از آن حکومت لزوم تأسیس کانال‌های آبیاری در حوزه رود فرات و کوچ دادن اهالی آناتولی از نقاط دیگر به این حوزه را برای زراعت، در یافت و ترتیب عینیت بخشی به آن آشکار کرد. (Ibid, 244-245)

میزان عودت عواید به مصارف داخلی آسیای صغیر

در ادامه مقاله، جهت روشن‌تر شدن نوع نگاه مغول‌ها به آناتولی و ابعاد و میزان اهمیت این منطقه برای ایلخانیان، اطلاعات مربوط به مقدار درآمد حاصل از آناتولی و میزان عودت این عایدات به مصارف داخلی آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. «حمدالله قزوینی در نزهة القلوب» اشاره کرده است که در سراسر آناتولی حدود شصت شهر بزرگ و کوچک وجود داشته است و درآمدهای مالیاتی حاصل از آن سرزمین سالانه به سیصد و سی تومان

^۱ استرآبادی در تعریف «تابقور» نوشته است: «تحمیل و تکلیف زاید بر خراج را خوانند» (سترآبادی، ۹۹). - مترجم.

می‌رسید. (Kazvini, 1913: 94) این مقدار از دویست و چهل تومانی که در زمان غازان خان اخذ می‌شد نود تومان بیشتر است. البته همین منبع اشاره کرده است که این مبلغ بسیار کمتر از آن چیزی است که قبل از یورش مغول از این سرزمین عاید می‌شد. ناگفته پیداست که بیشترین سهم این درآمد‌ها از شهرهای قونیه، قیصریه، سیواس، خرپوت و ارزنجان که شهرهای بزرگ آناتولی بودند، عاید می‌شد. شهرهای دیگر بیشتر در حکم قصبه بودند تا یک شهر بزرگ.^۱ در دیوان محاسبه متعلق به سال ۷۵۱ق. / ۱۳۵۰ م. کل درآمدهای مالیاتی حاصل از آناتولی به سیصد تومان کاهش یافت.

براساس اطلاعات موجود، درآمد سالانه آناتولی از مالیات حدود سیصد تومان بود. در حالی که کل درآمد سالانه ایلخانیان از مالیات سراسر امپراطوری به دو هزار و ششصد و چهار تومان می‌رسید. از این مبلغ، هشتصد و بیست تومان به درآمدهای مقریه، یعنی عوایدی که رقم ثابتی نداشتند و از سالی به سال دیگر در حال تغییر بودند، تعلق داشت. مقریه به مقامات و کارگزاران فرهنگی، اجتماعی و دینی دولتی مانند سید، امام، شیخ، علما، اطبا، مدرس و سفیر پرداخت می‌شد. هزار و هفتصد و هشتاد و چهار تومان باقی‌مانده نیز به مواجب و حقوق امرا، دیوانیان، شاهزادگان، نظامیان و تعداد دیگری از مناصب اختصاص داشت. (Mazenderani, 1952: 161-166) ملاحظه می‌شود که در این شرایط بیشترین مقدار از درآمدهای دولت ایلخانی به مصرف هزینه‌های مناصب نظامی و اداری می‌رسید. شرایط حاکم بر مخارج آناتولی به گونه‌ای دیگر بود. در حالی که از درآمد سیصد تومانی آناتولی تنها بیست تومان آن به علما، شیوخ، سید و دیگر مقامات و مناصب مشابه پرداخت می‌شد، سهم کارکنان نظامی و اداری دویست و شصت تومان تعیین شده بود. (Ibid, 170) در عراق عرب نیز که تحت حاکمیت ایلخانیان قرار داشت، سهم عناصر دینی و اجتماعی پنجاه و هفت تومان و سهم مناصب اداری و نظامی صد و هفتاد تومان از کل دویست و پنجاه تومان درآمد مالیاتی آن

^۱ مثلاً در آمد مالیاتی ارزنجان ۳۳ تومان و ۲۵۰۰ دینار و درآمد خرپوت ۲۵ تومان بود. زکی ولید طوغان نیز طی مقاله‌ای این نظر را مطرح کرده است که حاکمیت مغول به رونق و توسعه اقتصادی ایران و آناتولی منجر شد. ن.ک (Togan, 1931: 15).

ناحیه تعیین شده بود. در آذربایجان نیز از کل عایدات آن ایالت که دویست و شصت تومان بود، صد و بیست تومان به کارکنان نظامی و اداری و به همان میزان نیز به مقامات و مناصب دینی و اجتماعی اختصاص داشت. (Ibid, 170) در نتیجه تخصیص بودجه در آذربایجان به ترتیب مذکور، تبریز به مرکز علمی و فرهنگی آن دوره ارتقاء یافت. (Jahn, 1979: 58-59) آناتولی نیز با توجه به سهم اندکی که به حوزه فرهنگی و اجتماعی اختصاص یافته بود، دچار پسرفت فرهنگی و علمی شد. جدای از این، اطلاعات فوق بیانگر این واقعیت است که ایلخانیان بیش از هر ویژگی دیگری آناتولی را به عنوان منطقه‌ای نظامی می‌نگریستند. این نگرش با در نظر گرفتن موقعیت مرزی آناتولی در امپراطوری ایلخانیان قابل توجیه است.

نتیجه‌گیری

می‌توان این‌گونه ادعا کرد که روابط ایلخانیان و سلجوقیان روم در عرصه اقتصادی نسبت به سایر عرصه‌ها پرننگ‌تر بود. تحولات و رخدادها صورت یافته در روابط اقتصادی، شکل و گستره مناسبات اجتماعی و فرهنگی فیمابین را تعیین می‌کرد. به عبارت دیگر مغول‌ها به منطقه آناتولی بیشتر از دیدگاه اقتصادی می‌نگریستند و با اتخاذ سیاست‌های استعماری، مردم آن منطقه را استثمار کردند.

سیاست‌های اقتصادی مغول‌ها در تاریخ سلجوقیان روم و به تبع آن در تاریخ آسیای صغیر، نتایج سیاسی و اجتماعی ماندگاری را رقم زد. نخستین نمود این روند در عملکرد حکومت تابع مغول‌ها و شخص معین‌الدین پروانه قابل مشاهده است؛ پروانه با تضعیف سیاسی دولت سلجوقی و تصرف سازمان اداری و مالی کشور، ایلخانیان را در غارت منابع آناتولی یاری رساند. مهم‌ترین خصوصیت اجتماعی ماندگار این دوره، نهایی شدن شکل‌گیری گروه‌های جدید اجتماعی در جامعه آناتولی است. ترکمن‌ها و دراویش صوفیه مهم‌ترین بارزترین نیروهای اجتماعی در گروه‌بندی جدید بودند.

طی دومین دوره از روابط سیاسی فیما بین، مغول‌ها به این واقعیت رسیدند که اداره و کنترل آسیای صغیر با استفاده از عمال دیوانی محلی بی‌بهره خواهد بود، لذا تلاش کردند تا اداره منطقه را به صورت مستقیم در دست گیرند. این دوره که از دهه ۶۸۰ ق. / ۱۲۸۰ م. آغاز شد، تمایز اجتماعی را سرعت بخشید و حتی به گسست میان عناصر و گروه‌های جامعه منجر شد. ضمن سقوط دولت سلجوقیان روم که همزمان با انشقاق اجتماعی مشروعیت خویش را در جامعه آناتولی از دست داده بود، گروه‌های قبیله‌ای از هم گسیخته زمینه شکل‌گیری واحدهای سیاسی جدید و کوچک را فراهم کردند. به این ترتیب دوره ملوک‌الطوایفی در تاریخ آسیای صغیر آغاز شد. بیگ‌نشین عثمانی که پیدایش آن از نتایج این دوره است، به تدریج با جذب مهم‌ترین نیروها و عناصر تجزیه شده از جامعه سلجوقی (ترکمن‌ها، دراویش و صوفیان) تحت بیرق واحد، اساس دولت عثمانی را بنا نهاد.

منابع و مأخذ

- Abul Farac, (1950) *Tarih*, (çev. O. Rıza Doğru), Ankara.
- Akdağ, Mustafa, (1995) *Türkiye'nin İktisadi ve İçtimai Tarihi 1243-1453*, İstanbul.
- Aksarayi, Kerimüddin Mahmud, (1944) *Müsameretü' l-ahbar ve Müsayeretü' l-ahyar*, (yay. Osman Turan), Ankara.
- Barthold, V., (1931) "**İlhanlılar Devrinde Mali Vaziyet**", Türk Hukuk ve İktisat Tarihi Mecmuası.
- Cahen, CL (1979) *Osmanlılardan önce Anadolu'da Türkler*, (cev. Yıldız Moran) İstanbul.
- Cüveyni, Alaeddin Atamelik, (1937) *Tarih-i Cihan Güşa*, (yay. Mirza Muhammed Kazvini) II, London (Türkçe çev. Mürsel Oztürk), Kültür Bakanlığı Yayınları, Ankara
- Erdem, İlhan, (1995) *Türkiye Selçuklu-İlhanlı İlişkileri (1258-1308)*, Ankara, Basılmamış Doktora Tezi.
- Fazlullah Tabib [Hamedani], Residüddin, (1338) *Camiü't-Tevarih*, (yay. Behmen Kerimi), Tahran.
- Fazlullah Tabib [Hamedani], Residüddin, (1369) *Mukatebat*, (Yay. Muhammed Şefi) Lahor
- Hinz, W., (1949) **Ortaçağ Yakın Şarkına Ait Vergi Kitabeleri**, (lev.: F. Işıltan), Belleten XIII/52 (Ekim).
- İbn Bibi, (1956) *el-Evamirül-Alaiyye fi Umuri'l-Alaiyye*, (yay. Adnan Erzi), Ankara.
- İbn Şeddad, (1941) *Baybars Tarihi*, (çev. M. Şerafeddin Yaltkaya), İstanbul.
- Jahn, K., (1979), "**Tebriz; Doğu ile Batı Arasında bir Ortaçağ Kültür Merkezi**", (lev.: İsmail Aka), T.A.D. XIII, 124.
- Kaymaz, Nejat, (1970) *Pervane Muineddin Süleyman*, Ankara.
- Kazvini, Hamdullah, (1913) *Nüzhetü' l-Kulub*, (yay. G.L. Strange) Leiden.
- Lehmann, Bruno, (1939) *Die Nachrichten des Nikatas Choniates, G. Akropolites und Pachimeres über die Selcuqen in der Zeit von 1180 bis 1220*, Leipzig.

Mazenderani, Abdullah Kiya, (1952) *Risale-i Felekiyye*, (yay. W. Hinz), Wisbaden.

Tarih-i Ali Selçuk (Anonim Selçukname), (1952) (yay. F. Nafiz Uzluk), Ankara.

Togan, Z. Velidi, (1931) *Moğollar Devrinde Anadolu'nun İktisadi Vaziyeti*, THITM, I.

Turan, Osman, (1983) *Selçuklular Zamamnda Türkiye*, İstanbul.

توضیحات مترجم

تاریخ اسلام کمبریج، (۱۳۷۸). ترجمه: حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

بیانی، شیرین (۱۳۸۲)، *مغولان و حکومت ایلخانی در ایران*، تهران: سمت.

رجب‌زاده، هاشم (۲۵۳۵)، *آیین کشورداری در عهد رشیدالدین فضل‌الله*، تهران: [بی‌نا].

دولت‌آبادی، عزیز (۱۳۸۶)، *فرهنگ واژه‌های ترکی و مغولی در متون فارسی*، تبریز: دانشگاه تبریز.

اشپولر، برتولد (۱۳۸۰)، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه: محمود میر آفتاب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

استرآبادی، میرزا مهدی (۱۳۷۴)، *سنگلاخ*، ویراستار: روشن خیاوی، تهران.

همدانی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله [بی‌تا]. *جامع‌التواریخ*، جلد دوم، تهران: اقبال.

